

سالهای بیست و سی:

بازگشت به فیگوراسیون،
سوررئالیسم،
مقاومت مدرنیسم و آبستره

سلسال هنر مدرن در دنیا

مدرن‌ها و دیگران

LES MODERNES
ET LES AUTRES

توسعه: جرداس بورلیان

ترجمه: مه‌ری میرزالی



در اینجا می‌توان باردیگر به هنرمندان آمریکایی اشاره کرد که در همین زمان، در کشور خود هنرشاعرانه‌ای را ابداع می‌کنند که در قالب سنت تعالی‌گرایی (Transcendentalisme) آمریکا مفهومی رمزگونه به طبیعت می‌بخشد. «آرتور - دوو» و «ژرژیا اوکی فی» چون هنرمندی کاملاً متمایز و «لورن آلبریکت» (L. Albright) به عنوان نقاش پرتره‌های عجیب و بسیار اکسپرسیونیستی ظاهر می‌شوند.

سالهای بیست و سی. بازگشت به فیگوراسیون، سوررئالیسم، مقاومت مدرنیسم و آبستره بعد از پایان جنگ جهانی، گرایش جدید و تقریباً عمومی نسبت به بازگشت به سوی فرمهای سنتی‌تر، «نئوکلاسیک» و فیگوراتیو به وجود می‌آید؛ به نظر می‌رسد که بعد از سالهای بسیار پر تلاطم آوانگاردیسم، دنیای هنر نیاز به استراحت و یا به عبارت امروزی «مرکزپایی مجدد» دارد. در فرانسه «مدرسه پاریس» نوآرپهای مدرنیسم - یعنی امپرسیونیسم، فوویسم و کوبیسم - را کشف کرده و به یکدیگر شبیه می‌سازد. این دوره رومی توان دوره «نئوکلاسیک» «پیکاسو»، «ماتیس» و «پراک» و حتی دوره یک روی آوری جدی به آکادمیسم برای «دورن» «ولامینک» (Vlaminck) و «وال دون ژن» دانست.

«بونار» (Bonnard)، «وویلارد» (Vuillard)، «دوفی» (Dufy)، «مارکه» (Marquet) سبک «نبی‌ها» و فوویسم تعدیل یافته را دنبال می‌کنند. «شاگال»، «مودیلیانی» (Modigliani)، «سوتین» (Soutine) و «روئو» (Rouault) اکسپرسیونیسمی را به نمایش می‌گذارند که شکل فرانسوی به خود گرفته است. مکتب کوبیسم در راستای جهش ایجاد شده در روند حرکت خود با «ژرژ»، «ویلون»، «دولونه» و بسیاری دیگر با درجه اهمیت کمتر، همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد. و همانطور که از برگزاری نمایشگاه «آرت دکو»

(Art Deco) در سال ۱۹۲۵ بر می‌آید، بیشترین تأثیر کوبیسم بر روی هنرهای تزئینی (دکوراتیو) گذاشته می‌شود. در همین زمان پایه‌های سوررئالیسم توسط «آندره برتوتون» بنا گذاشته شده و در سال ۱۹۲۴ به عنوان نهضتی جدید ظهور پیدامی‌کند. بدین ترتیب باردیگر دربهای هنر بر روی رویاتخیل و حالتی از نامعقولی که پیشتر تحت اختیار دادا اسیسم و همچنین اکسپرسیونیسم و فوتوریسم بوده است، باز می‌شود. سوررئالیسم نسبت به جاه‌طلبی رئالیسم از موضع قدرت برخورد کرده و سعی می‌کند بر علیه آن واکنش نشان دهد، اما با تمامی این احوال، در نهضت بازگشت به فیگوراسیون غوطه‌ور شده و به واسطه شوخ طبعی و خیال انگیزی خود اختیار خویش را به دست دیوانگی‌های «سالهای جنون» می‌سپارد. از آنجا که سوررئالیسم هنرمندان را از کشورهای بسیار متعدد گردهم می‌آورد، می‌توان آن را نهضتی بین‌المللی تلقی کرد: «ماسون» (Masson)، «پیکابیا» و «تانگی» (Tanguy) از فرانسه؛ «ماکس ارنست»، «شویترز» و «هوسمن» که دادائیسم را کنار می‌گذارد، از آلمان؛ «میرو» از اسپانیا و «مان‌رای» از آمریکا هستند. این نهضت خیلی زود، در تمام دنیا به موفقیت‌های بزرگی دست پیدا می‌کند. این نهضت، موج دوم سوررئالیسمی است که بدین شکل طی سالهای سی به همت «دالی»، «ماگریت»، «دلوو» و «جیاکومتی» مجسمه‌ساز موج اول آن را تعمیق می‌بخشد.

مدرسه «بوهوس» و «ابزکتیویته نوین» دونهضت کاملاً متضادی هستند که در آلمان همزیستی پیدا می‌کنند.

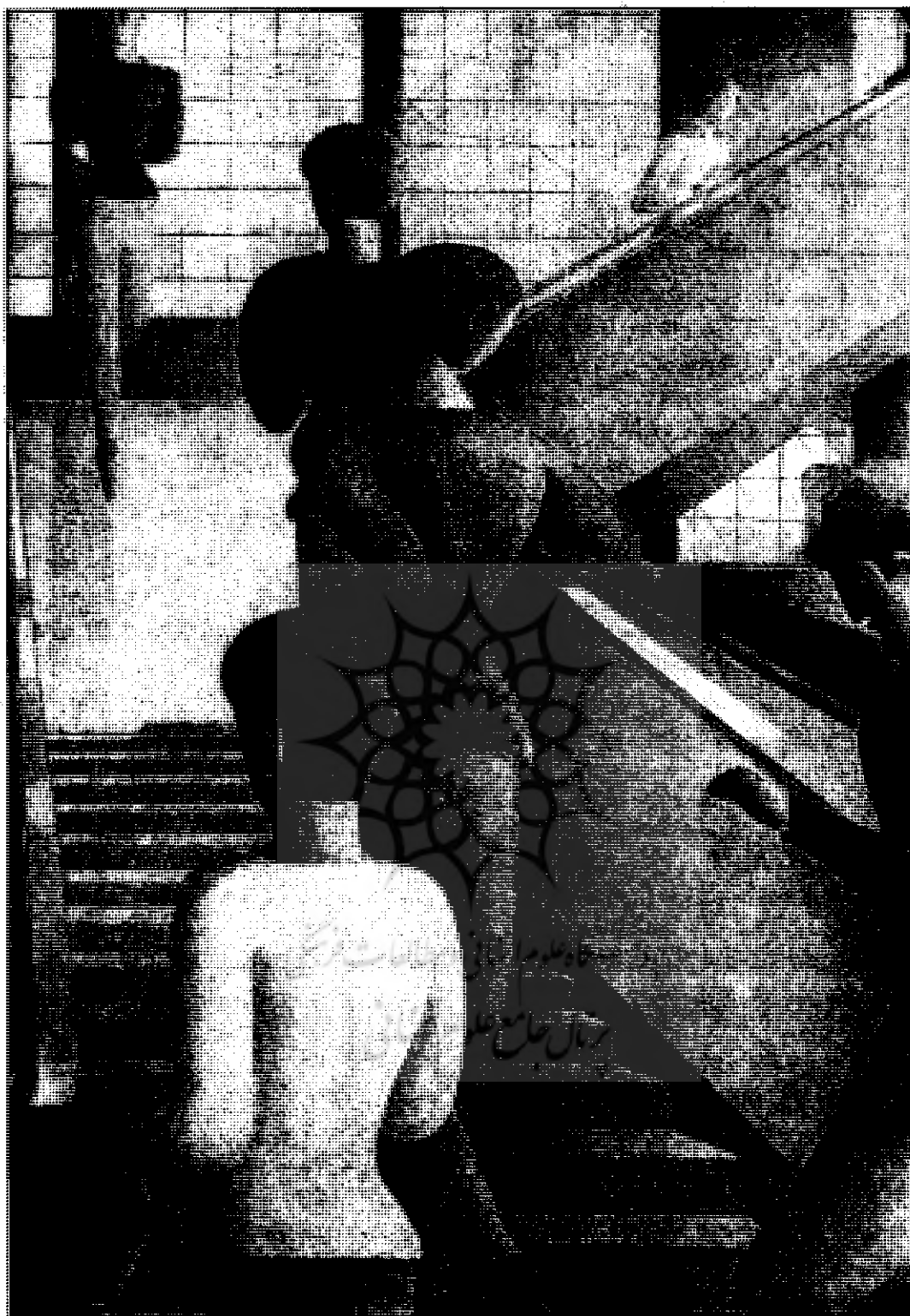
مدرسه «بوهوس» از ابتدای شکل‌گیری تازمانیکه شخصاً در سال ۱۹۲۳ به دست نازینا



Salvador DALI
 REVE CAUSE PAR LE VOL D'UNE ABEILLE
 AUTOUR D'UNE POMME-GRENADE
 huile sur toile, 1944
 51 x 41 cm

بسته می شود مأمنی برای مدرنیته آبستره و هندسی می باشد. نکته ایده آل در دکترین سوررئالیسم، نظم، دقت و پاکی و زلالی می باشد که در آن نزدیکی نقاشی، پیکره تراشی و معماری یکی از اهداف اصلی شمرده می شود. «بوهوس» اساتید معتبر را گردهم می آورد، اساتیدی چون «کاندینسکی»، «کلی»، «اشلمیر» (S. chlemmer)، «فنینگر» (Feininger)، «آلبر» (Albers)، «موهولی - ناکی» (Moholy) (Nagy) و معمارانی چون «گروپیوس» (Gropius) و «می وان در روش» (Mies Van der Roche).
 ابتلای جامعه آلمان به بحران های شدید اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، بعد از پایان جنگ جهانی، موجب پیدایش نهضتی حیرت آور می شود که هم در قالب رئالیسم و هم در قالب شکل تشدید یافته اکسپرسیونیسم جای

● از ویژگیهای سالهای سی، شدت یافتن گرایش به آکادمیسم در آلمان هیتلر، ایتالیای فاشیست، و روسیه استالین می باشد. این پدیده در فرانسه و دیگر کشورها نیز شیوع پیدا می کند.



Oskar SCHLEMMER
L'ESCALIER DU BAUHAUS
huile sur toile, 1932
162.3 x 114.3 cm

● سوررئالیسم

نسبت به جاه طلبی رئالیسم

از موضع قدرت برخوردار کرده

وسعی می کند بر علیه آن

واکنش نشان دهد،

اما با تمامی این احوال،

در نهضت

بازگشت به فیگوراسیون

غوطه ور شده و به واسطه

شوخ طبعی و خیال انگیزی خود

اختیار خویش را

به دست دیوانگی های

«سالهای جنون» می سپارد.

می گیرد. این نهضت، موسوم به «ابژکتیویته

نوین» (Neue Sachlichkeit)، با دلحن متفاوت

از جامعه آن روز آلمان انتقاد می کند: «اوتودی»

(Otto Dix)، «گروز» (Grosz) (دادانیست قدیمی)،

«بکمن» (Bech Mann) و «هوباخ» (Hubbuch) با

لحنی خشونت آمیز و «شاده» (Schad)، «هیز»

(Helse)، «مانز» (Mense) و «شریف» (Shrimpf)

و بسیاری دیگر که بالحن آرام و ملایم انتقادات

خود را بیان می کنند. بسیاری از اعضای

این نهضت همانند اعضای «بوهوس» مجبور

می شوند به کشورهای دیگر به ویژه آمریکا

مهاجرت کنند. اکسپرسیونیسم آوانگارد از

مسیری دیگر و با هنرمندانی چون «کرشنر»

(Kirchner)، «نولده» (Nolde) و «پرمیک»

(Permeke) و «دواسمیت» (De Smet) از بلژیک

و «کوکوشکا» (Kokoschka) از اتریش حیات

دوباره یافته و به حرکت خود ادامه می دهد.

در ایتالیا اندیشه غالب بر صحنه هنر، اندیشه

نئوکلاسیک و رئالیستی می باشد که در مکتب

هنرمندان «والوری پلاستیسی» و نهضت

«لووسانتو» جای دارد. اعضای تشکیل دهنده

این نهضت از هنرمندان قدیمی نقاشی متافیزیک

و نو واردانی چون «سیرونی» (Sironi)، «اوپی»

(Oppl) و «فونی» (Funi) می باشند.

آمریکا نیز علیرغم فاصله زیادی که با اروپا

دارد، به مرکزیابی مجدد هنر خود اقدام کرده

و در این راه به رئالیسم پرسیزیونیست (۱)

(Precisionniste) و «رژیونالیسم»

(regionalisme) (۲) که بخشی از سنت هنری این

کشور نیز می باشند روی می آورد. این

نوع رئالیسم اغلب توأم با نوعی حماقت و

سادگی و تلفیقی از اکسپرسیونیسم و انتقاد

اجتماعی ما به ویژه در دوران رکود بزرگ،

می باشد. از هنرمندانی که یادشان همواره در

این راه زنده است می توان به «هاپر» (Hopper)،

«شیلر» (Sheeler)، «دیموت» (Demuth)، «گران

وود» (Grant wood)، «بن شان» (Ben Shan) و

«هارت - بتون» (Hart - Beton) اشاره کرد.

«سیکیروس» (Siqueiros) «اوروزکو» (Orozco)،

«ریورا» (Rivera) و «تامایو» (Tamayo) اعضای

اصلی نهضتی هستند که طرز فکرشان تا

اندازه ای نزدیک به هنرمندان «مورالیست»

(Muralistes) (۳) مکزیک می باشد که نقاشی های

دیواری باشکوهی برای عمارات عمومی

نقاشی می کنند. این نوع نقاشی با تمام اصالت

خود و همراه باگرایشی که به سوی رویا تخیل

و سوررئالیسم دارد در فرهنگ خاص آنها جای

دارد.

از دیگر ویژگیهای بارز سالهای سی، شدت

یافتن گرایش به آکادمیسم در آلمان هیتلر،

ایتالیای فاشیست، و روسیه استالین می باشد.

این پدیده در فرانسه و دیگر کشورها نیز شیوع

پیدا می کند.

با تمام این احوال، مدرنیته از حرکت در

مسیر خود باز نمانده و در سالهای پیش از جنگ

قوت بیشتری پیدا می کند؛ بدین ترتیب زمینه

را برای تغییر و تحولات بزرگ سال های پس از

جنگ آماده می سازد.

سرآغاز این دوران، با خلاقیت های بزرگ

«بزرگان» «مدرسه پاریس»، «پیکاسو»،

«ماتیس»، «لژ»، «دولونه» و همچنین «کله» و

«کاندینسکی» شکل می گیرد. و بعدها به کوشش

«ارنست»، «میرو»، «ماسون» و «دالی»

سوررئالیسم به نقطه اوج شهرت خود می رسد.

به علاوه در همین دوران «آبستره هندسی قوام

یافته و نهضت «آبستره - خلاقیت» (Creation

- Abstraction) در پاریس شکل می گیرد.

مهاجرت تعداد کثیری از اروپائیان به آمریکا،

پیش و بعد از جنگ - به ویژه سوررئالیستهای

«آبستره» - به تشکیل نهضت اکسپرسیونیسم

آبستره آمریکا می انجامد.